



یادداشت

حسینعلی پورافضلی

فرزندآوری در آموزه‌های رضوی؛ قدرت جمعیت، آرامش خانواده

در اندیشه اهل‌بیت(ع) افزایش جمعیت و تکثیر نسل، تنها یک مسئله عددی و آماری نیست؛ بلکه وسیله‌ای برای حفظ قدرت امت اسلامی، دفاع در برابر دشمنان و گسترش فرهنگ اسلام به شمار می‌آید.

روایات فراوانی بر این معنا تأکید کرده‌اند که کثرت فرزندان، نوعی پشتوانه برای جامعه‌مؤمنان است.

نظریه‌پردازان غربی نیز جمعیت‌را عامل مهمی در موازنه‌های سیاسی و فرهنگی می‌دانند. بسیاری از آنان افزایش جمعیت مسلمانان را تهدیدی برای منافع خودتلقی کرده‌وبرای تضعیف‌اسلام از راه کاهش جمعیت مسلمانان، برنامه‌ریزی کرده‌اند. این نگاه، اهمیت توجه آگاهانه و دینی به موضوع ازدواج و فرزندآوری را دوچندان می‌کند. (کتاب‌خاطرات سیاسی و تاریخی مستر همفر، ص ۱۶۰)

■ نگاه‌فقه‌واندیشه‌اسلامی به تکثیر نسل

مسئله تحدید نسل و مباحث مربوط به جمعیت، در منابع فقهی به‌کرات مطرح شده است. علامه حلی در کتاب «نکاح» عزل (پیشگیری از بارداری) را به این دلیل که موجب کاهش می‌شود و با تشویق پیامبر اکرم(ص) به تکثیر نسل منافات دارد، مکروه دانسته است. (تذکره، چاپ قدیم، ص۵۷۶)

محقق کرکی نیز اصل ازدواج را به دلیل آنکه سبب تکثیر نسل، بقای نوع انسان وتولدفرد صالح می‌شود، مستحب شمرده‌است.(جامع المقاصد، ۹/۱۲)

برخی بزرگان مانند فیض کاشانی در «مفاتیح الشرایع» و بحرانی در «الحدائق» تصریح کرده‌اند کثرت نسل، یک‌هدف دینی است؛ تا آنجا که اگر ازدواج با نیت افزایش نسل مؤمنان انجام شود، خود عبادت خواهد بود. در کتاب «وسائل الشیعه» نیز بابی با عنوان «استحباب الاستیلاود تکثیر الاولاد» گشوده و روایات متعددی در تشویق به فرزندآوری نقل شده‌است. (وسائل‌الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۵۵) در میان اندیشمندان معاصر، علامه طباطبائی(ره) تکثیر نسل مسلمانان و آبادسازی زمین به‌دست جامعه‌ای مؤمن را از مهم‌ترین اهداف شریعت دانسته و تأکید کرده‌است این امر می‌تواند پایه‌های شرک و فساد را از میان بردارد. (المیزان؛ ج ۴، ص ۱۸۹) آیت‌الله‌العظمی‌مکارم‌شیرازی نیز براساس روایات مشهور «تناکوحو تناسلوفاتی‌أی‌های یک‌المأم‌یوم‌القیامه» افزایش جمعیت مسلمانان را از مقاصد روشن شارع مقدس می‌داند. (کتاب النکاح، ج ۵، ص ۶۱)

■ فرزندآوری در کلام امام رضا(ع)

امام علی بن موسی الرضا(ع) در امتداد همین نگرش، فرزندآوری را لازمه تداوم حیات انسان در جامعه معرفی کرده و می‌فرمایند: کسی که از خود فرزند بی‌جان‌گذارد، گویا هرگز در میان مردم زندگی نکرده است؛ اما آن‌کس که فرزندى از خود به‌یادگار می‌گذارد، گویی نمرده و در میان مردم همچنان زنده است. در این بیان، فرزند نوعی استمرار وجودی واجتماعی انسان است.

امام رضا(ع) فرزند را «هدیه‌ای الهی» معرفی می‌کنند؛ نعمتی که خداوند به انسان عطا می‌کند و نگاه به‌او باید نگاه‌قدردان و مسئولانه باشد، نه صرفاً اقتصادی یا اجتماعی.

■ نکوهش تجرد و فضیلت ازدواج

سیره امام رضا(ع) در روایات، تجرد طولانی و بی‌دلیل را نکوهش و ازدواج را تشویق می‌کند. ایشان از قول امام باقر(ع) نقل می‌کنند زنی نزد آن حضرت آمد و گفت: «برای رسیدن به فضل و کمال، تصمیم گرفته‌ام هرگز ازدواج نکنم». امام باقر(ع) فرمودند: «این کار را نکن. اگر خودداری از ازدواج فضیلت و کمالی داشت، فاطمه زهرا(س) از همه برای رسیدن به آن شایسته‌تر بود؛ درحالی‌که هیچ‌کس در فضیلت و کمال بر او پیشی ندارد». در روایت دیگری، مردی نزد امام باقر(ع) آمد، حضرت از او پرسیدند: «ازدواج کرده‌ای؟» گفت: «نه». امام فرمودند: دو رکعت نمازی که فرد متأهل می‌خواند، از عبادت مجردی که شب‌بنددار و روزها روزهدار است، برتر است. این بیان، نقش ازدواج در تکمیل شخصیت‌ایمانی و معنوی انسان را نشان می‌دهد.

امام رضا(ع) همچنین بر «ازدواج به‌موقع» تأکید فرموده و تأخیر بی‌دلیل در ازدواج را نوعی آسیب به‌سلامت و آرامش روانی واجتماعی جوانان می‌دانند. (امام رضا(ع)، منتخب میزان‌الحکمه، ج۲۷۸۵)

■ تأمین معاش؛ عبادتی همسنگ جهاد

در فرهنگ رضوی، ازدواج تنها پیوندی عاطفی نیست؛ بلکه مسئولیت خدمت و تأمین زندگی را به همراه دارد. امام رضا(ع) می‌فرمایند: «هر کس صبح کند درحالی‌که بیدنش سالم، خاطرش آسوده و معاش روزانه‌اش فراهم باشد، چنان است که همه دنیا برای او برگزیده شده است». در این نگاه، آرامش جسمی و روانی وحدی از تأمین اقتصادی، عناصر یک زندگی مطلوب به‌شمار می‌رود.

از همین رو تلاش برای تأمین معاش خانواده، ارزش و ثواب ویژه‌ای دارد. امام رضا(ع) کار و کوشش برای فراهم کردن هزینه زندگی اهل خانه را برتر از جهاد در راه خدا دانسته‌اند؛ یعنی بیرون رفتن برای کسب درآمد حلال و تأمین نیازهای خانواده، خود نوعی مجاهدت مقدس است. در باب شیوه ازدواج نیز ایشان توصیه می‌کنند مهریه از «مهرالسنه» - همان مقدار مهریه‌ای که پیامبر اکرم(ص) برای ازدواج خود قرار دادند- فراتر نرود؛ زیراسادگی واعتدال در مهریه، به استحکام خانواده و سهولت ازدواج کمک می‌کند. (بحارالانوار ۱۰۳/۳۵۰)

■ فرزندآوری، عامل قدرت و انسجام امت اسلامی

برایند این تعلیم آن است که از نگاه امام رضا(ع)، ازدواج و فرزندآوری عامل قدرت و انسجام امت اسلامی؛ زمینه‌ساز عبادت و تقرب به خدا؛ مایه آرامش، رشد شخصیت و تکامل ایمان و در کنار تلاش برای تأمین معاش خانواده، بستری برای یک زندگی سالم، پانشاط و باثمرات اخروی است.

بازخوانی این آموزه‌ها در زمانه‌ای که تجرد، تأخیر در ازدواج و ترس از فرزندآوری به‌گفت‌وگو تبدیل شده، می‌تواند مسیر تازه‌ای پیش روی خانواده‌ها و جوانان مسلمان بگشاید؛ مسیری که در آن جمعیت، قدرت، اخلاق و معنویت در کنار هم معنا می‌یابند.

ریحانه‌عامل نیک | خانه، نخستین مدرسه تمرین اطاعت از خداست. ما در خانه، فرزندان را به اطاعت از قواعد عقلانی و اخلاقی عادت می‌دهیم، اما با نزدیک شدن به سن تکلیف، باید او را برای مرحله‌ای بالاتر یعنی اطاعت شرعی آماده کنیم. این فرایند نباید به زمان بلوغ موکول شود؛ والدین دین‌دار و خردمند، انتخاب مرجع را بسیار پیش از تکلیف شرعی آغاز می‌کنند تا نوجوان، بدون فشار ناگهانی تکالیف و فشارهای تغییرات جسمی بلوغ، با مفاهیم آن مأیوس شود. در این میان، رعایت تفاوت‌های رشدی دختران و پسران حیاتی است. انتخاب مرجع تقلید، نخستین تصمیم جدی یک نوجوان برای تعیین نقشه‌راه‌بندگی است. والدین در این فرایند، نقش مربی استقلال دارند، نه مجبورکننده. آن‌ها بستری می‌سازند تا فرزند، آگاهانه و با اشتیاق، این ریسمان اتصال به‌فقاقت را در دست بگیرد.

در ادامه برای روشن شدن این مسیر با حجت الاسلام والمسلمین محمدباقر مشکاتی، کارشناس دین و خانواده گفت‌وگو کرده‌ایم که منشرح آن در ادامه آمده‌است.

■ آموزش مبنای عقلی تقلید؛ رجوع به متخصص است
نخستین گام، شکستن نگاه تکلیف اجباری به منطق تخصصی است. همان طور که در امور پزشکی به پزشک مراجعه می‌کنیم، در امور دین هم به متخصص نیاز داریم. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» پس اگر نمی‌دانید، از اهل ذکر [آگاهان] بپرسید». (سوره نحل، آیه ۴۳) این آیه شریفه، زیربنای اعتماد معرفتی است. «ذکر» در اینجا به معنای قرآن و وحی است و اهل ذکر کسانی هستند که به ژرفای این پیام، احاطه دارند. خداوند با این دستور، نه تنها راه‌جهد و گمراه‌نتری را می‌بیند، بلکه مسیر اطمینان را برای مؤمن باز می‌کند. پیام عمیق آیه این است که در اموری که حیات ابدی ما به آن وابسته است، حدس و گمان جایز نیست؛ بلکه باید به کارشناسی مراجعه کرد که اهل تذکر و حافظ معارف است. این آیه به فرزند ما می‌فهماند که تقلید، سلب آزادی نیست؛ بلکه یک امنیت فکری است تا مبادا در مسیر سرنوشت‌ساز بندگی، با حدس و گمان شخصی، والدین بایستی برای کودک، مفهوم تخصص را با مثال‌های روزمره تبیین کنند. بگویند اگر خودرو خراب شود، به مکانیک مراجعه می‌کنیم، چون او نقشه فنی خودرو را می‌شناسد. خداوند هم برای زندگی، یک نقشه راه(قرآن و احادیث) داده است؛ مرجع تقلید کسی است که سال‌ها عمرش را صرف یادگیری دقیق این نقشه کرده تا مادر مسیر بندگی‌گم‌نشویم.

■ آمادگی مخصوص به دختران

چون دختران در ۹سالگی مکلف می‌شوند، فرایند ذهنی‌سازی باید زودتر از آغاز شود. با زبان عاطفی و نرم، نیاز به یک راهنمای مهربان را برایشان تصویر کنند که در انجام تکالیف زیبای بندگی(نماز وروزه) به آن‌ها کمک می‌کند.

برای دختران از حدود ۸سالگی، «سجاده مهر مخصوص» تهیه کرده و احکام اولیه پوشش و نماز را(با ارجاع به مرجع) برایش شیرین کنید. «جشن تکلیف» برای دختران نباید پایان به گزارش آستان‌نیوز، اینجا مدرسه رضوی، میرزا جعفر ، صدای نوجوان‌ها از گوشه‌وکنار مدرسه به گوش می‌رسد؛ عده‌ای دور یک استاد حلقه زده‌اند، گروهی در غرفه‌های فرهنگی مشغول گفت‌وگو هستند و چند نفر هم با کنج‌کاوی به قلمی نگاه می‌کنند که آرام‌روی کاغذ حرکت می‌کند. مدرسه میرزا جعفر امروز فقط میزان نوجوان‌هایی نیست که برای زیارت به حرم مطهر آمده‌اند؛ اینجا قرار است زیارت، بهانه‌ای برای شناختن پرسیدن و شنیدن باشد؛ نوجوان‌ها آمده‌اند تا در «پاتوق نوجوانی» هر مدرسه رضوی، اینجا مدرسه رضوی، صدای نوجوان‌ها از گوشه‌وکنار مدرسه به گوش می‌رسد؛ عده‌ای دور یک استاد حلقه زده‌اند، گروهی در غرفه‌های فرهنگی مشغول گفت‌وگو هستند و چند نفر هم با کنج‌کاوی به قلمی نگاه می‌کنند که آرام‌روی کاغذ حرکت می‌کند. مدرسه میرزا جعفر امروز فقط میزان نوجوان‌هایی نیست که برای زیارت به حرم مطهر آمده‌اند؛ اینجا قرار است زیارت، بهانه‌ای برای شناختن پرسیدن و شنیدن باشد؛ نوجوان‌ها آمده‌اند تا در «پاتوق نوجوانی» هر مدرسه رضوی، اینجا مدرسه رضوی، صدای نوجوان‌ها از گوشه‌وکنار مدرسه به گوش می‌رسد؛ عده‌ای دور یک استاد حلقه زده‌اند، گروهی در غرفه‌های فرهنگی مشغول گفت‌وگو و فعالیت‌های مختلف است. هر گوشه، بخشی از برنامه را به خود اختصاص داده و نوجوان‌ها متناسب با علاقه خود میان غرفه‌ها و برنامه‌ها رفت‌وآمد می‌کنند. در این میان، آنچه بیش از همه به چشم می‌آید، تلاش برای نزدیک شدن محتوای فرهنگی و معرفتی به زبان و فضای ذهنی نوجوانان است؛ به‌گونه‌ای که مخاطب تنها شنود یک برنامه نباشد و فرصت پرسیدن و مشارکت کردن هم داشته باشد.

■ از صدای قلم تا صدای پرشش

در گوشه‌ای از مدرسه، استادان خطاطی مشغول نوشتن‌اند. صدای برخورد قلم با کاغذ، میان همه‌چه نوجوان‌ها شنیده می‌شود و کلمات با حوصله شکل می‌گیرند. نوجوان‌ها نزدیک می‌شوند، نگاه می‌کنند و گاهی درباره شیوه نوشتن و معنای جمله‌ای که روی کاغذ نقش می‌یابند، سؤال می‌کنند. این بخش از برنامه، فرصتی است تا هنر در کنار محتوای فرهنگی و معنوی قرار بگیرد. نوجوانی که شاید در ابتدا تنها برای تماشای فرایند خوشنویسی ایستاده، خیلی زود فرصت پرسیدن و مشارکت کردن هم داشته باشد.

آموزش باشد؛ باید جشن ورود به مرحله عمل به فتوای مرجع باشد. در این سن، دختر شما نیاز به احساس بزرگ شدن دارد. وقتی به او می‌گویید: «این حکم خاص را مرجع تقلیدمان فرموده‌اند»، در واقع به او شأن اجتماعی و دینی می‌دهید. این جمله سبب می‌شود او بداند در حال انجام کاری است که فراتر از خانه، به یک نظام جهانی و الهی فقاقت متصل است.

■ آمادگی مخصوص به پسران

پسران که تا ۱۵سالگی یا بروز علائم بلوغ فرصت دارند، بیشتر به استدلال منطقی نیاز دارند. برای آن‌ها بر کارآمدی و باهوش بودن مرجع تقلید یعنی کسی که راهنمایی می‌کند تأکید کنند. برای پسران از حدود ۱۲سالگی (حدود سه سال پیش از تکلیف نهایی)، او را در تصمیم‌گیری‌های کوچک شرعی(مثل مسافر بودن در سفرها و قصر خواندن نماز) مشارکت دهید تا وقتی به سن بلوغ (۱۵سال) رسید، غریبه نباشد. این مشارکت، نقش تمرین مسئولیت‌پذیری را دارد. وقتی در سفر به فرزندان می‌گویید: «تو امروز مرد کوچک خانواده‌ای، بیا محاسبه کنیم که آیا نمازمان شکسته است یا خیر»، او نه تنها مهارت شرعی می‌آموزد، بلکه اعتماد به نفس دینی پیدا می‌کند. این رویکرد موجب می‌شود با رسیدن به سن تکلیف، احکام شرعی برای او نه به عنوان باری اضافه، بلکه به عنوان ملاک‌های مدیریت زندگی شناخته شوند.

در نهایت، این رویکرد خردمندانه، اضطراب مواجهه با تکالیف سنگین را از فرزند می‌گیرد و او را با اشتیاقی درونی به سوی پذیرش یک مرجعیت دینی هدایت می‌کند. مداومت والدین بر این گفت‌وگوی منطقی، تقلید را از یک واژه بیگانه به یک تکیه‌گاه قلبی اطمینان‌بخش در طول سال‌های نوجوانی بدل می‌کند.

■ معرفی ملاک‌های انتخاب؛ صفات مرجع

والدین باید معیارهای فقاقت را به زبان ساده و با تکیه بر روایات برای فرزند تبیین کنند. امام زمان(عج) در توقیع شریف می‌فرمایند: «... فَأَمَّا الْخَوَاتِمُ الْوَاقِعَةُ فَآزَجْعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثَنَا فَإِنَّهُمْ حَجَّتِي عَلَيَّكُمْ...»؛ اما در رخدادهای نویدید، به روایان حدیث ما [فقه‌ا] رجوع کنید که آنان حجت من بر

نقشه‌راه بندگی؛ چگونه فرزندان را برای انتخاب مرجع تقلید آماده کنیم؟

حرفه‌ای ترین مربی برای سبک زندگی



شما هستند و من حجت خدا بر آنانم. (کمال الدین، ج۲) این کلام نورانی، ترسیم‌کننده زنجیره اتصال ولایت است؛ عبارت «حجتی علیکم» به این معناست که مرجع، حلقه واسط میان ما و امام زمان(عج) است. تبیین این جایگاه برای کودک، به او می‌فهماند که اطاعت از فتوای مرجع، صرفاً یک قانون خشک نیست، بلکه تمرین ولایت‌پذیری است. وقتی کودک درک کند مرجع، نایب امام غایب است، دیگر به انتخاب او به چشم یک تصمیم ساده‌نگاه نمی‌کند؛ آن را پیمان‌نامه‌ای برای نزدیکی به ساحت مقدس امام عصر(عج) می‌بیند. والدین باید با زبان فطری به کودک بگویند: «مرجع ما کسی است که امام زمان(عج) او را امین خود دانسته، پس ما هم به او اعتماد می‌کنیم».

والدین، فرزند را در فرایند شناخت شریک کنند. وقتی شما به عنوان والدین می‌خواهید مسائل شرعی را جست‌وجو کنید، اجازه دهید فرزندان تبیین که شما چگونه با احترام از مرجع تقلید خودیادی‌می‌کنید. داستان‌های کوتاه از تقوا و سادگی‌یستی مراجع تقلید را در قالب قصه‌های شب یا دوره‌می برایشان بگویید تا مرجع برای او یک شخصیت قدسی و الگو باشد. برای عملیاتی کردن این راهبر، از روش مشارکت فعال استفاده کنید: یک رساله عملیه را به صورت مشترک در خانه داشته باشید. هنگام روبه‌رو شدن با یک مسئله جدید، به جای پاسخ شفاهی، به فرزند بگویید: «بیا ببینیم مرجع ما در این مورد چه دستوری دارند». این کار، مرجع را از دنیای کتاب‌ها به قلب مناسبات روزمره می‌آورد. همچنین برای نهادینه کردن الگوها، از قالب روایت زیسته استفاده کنید؛ یعنی به جای سخنرانی، از کرامات، سیره عملی یا حتی نحوه درس خواندن مراجع در دوران جوانی به گونه‌ای تعریف کنید که انگار از یک شخصیت بزرگ و قابل اعتماد حرف می‌زنید.

برای دختران، برویژه‌گی‌های اخلاقی و مهربانی مرجع(به عنوان پدری معنوی) تمرکز کنید. برای پسران، بر ویژگی‌های علمی و شجاعت مرجع در بیان حق (به عنوان یک قهرمان فکری) تأکید داشته باشید تا هویت دینی‌شان تقویت شود. در تبیین این تفاوت رویکرد، به یاد داشته باشید که دختران در پی کشف عاطفه دینی هستند؛ پس اگر مرجع را شخصیتی